



عهد و گفتگو

COVENANT & CONVERSATION



درس هایی پیرامون اخلاق
ربای لرد جانانان ساکس



با سپاس از بنیاد Wohl Legacy برای حمایت سخاوتمندانه از عهد و گفتگو

تفسیر هفتگی تورات

The Curse of Loneliness: Balak

لعنت تنهایی: بلک

بیلعام هنگام برکت کردن قوم یهود، کلماتی گفت که بسیاری آنها را فشرده ای از تاریخ
یهود می دانند:

چگونه کسی را لعنت کنم که خدا او را لعنت نکرده است؟

چگونه کسی را محکوم سازم که خدا محکوم نساخته است؟

از بالای صخره آنها را می بینم،

از فراز تپه ها به آنها چشم می دوزم:

مردمی که تنها سکونت دارند (اعداد ۸-۹: ۲۳)

در دوره پیگرد و آزار یهودیان و یوگروم ها در اروپا وضعیت این گونه به نظر می رسید. در زمان هولاکاست این گونه بود. گاهی در اسرائیل همین گونه است، به ویژه امروز. خود را تنها می یابیم. این واقعیت را چگونه باید بفهمیم. چگونه این آیه ها را تفسیر کنیم؟

در کتابم به نام "زمان آینده" *Future Tense* ¹ لحظه ای را توصیف کرده ام که برای اولین بار فهمیدم این گونه تعریف کردن سرنوشت یهودیان چقدر خطرناک است. در یروشالایم در روز شاولووعوت ۲۰۰۱/۵۷۶۱ در حال ناهار خوردن بودیم. در کنار ما یکی از مبارزان بزرگ علیه یهودی ستیزی به نام ایروین کوتلر حضور داشت که به زودی وزیر دادگستری کانادا شد و نیز یک دیپلمات برجسته اسرائیلی. در حال صحبت پیرامون کنفرانس سازمان ملل علیه نژادپرستی در دوربان سال ۲۰۰۱ بودیم. همه حق داشتیم فکر کنیم که مصیبتی برای اسرائیل در پیش بود. در آنجا در جلسات موازی سازمان های غیردولتی، اسرائیل متهم به پنج گناه کبیره علیه حقوق بشر شده بود: نژادپرستی، آپارتهاید، جنایت علیه بشریت، پاکسازی قومی و قصد نسل کشی. در اصل این کنفرانس تبدیل شد به سکوی پرتاب نوع موزیانه ای از یهودی ستیزی. در دوران قرون وسطی یهودیان به دلیل دین خود مورد تنفر بودند. در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، به خاطر کشور خود مورد نفرت بودند. همین طور که مشغول صحبت در مورد پیامدهای احتمالی بودیم، دیپلمات آهی کشید و گفت: "همیشه همین گونه بوده است. *Am levadad yishkon*: ما قومی هستیم محکوم به تنهایی".

¹ Published by New York: Schocken, 2012.

مردی که این کلمات را گفت بهترین نیت ها را داشت. او زندگی حرفه ای خود را صرف دفاع از اسرائیل کرده و به دنبال راحتی ما بود. نیت های او بهترین بودند و سخن او چیز جز یک اشاره مودبانه نبود. اما من ناگهان متوجه شدم که این برخورد چقدر خطرناک است. اگر باور کنی که سرنوشت تو تنهایی است، بیشک همین اتفاق خواهد افتاد. این یک نبوت خودخواسته است که تحقق می یابد. چرا در جستجوی دوست و متحد برای خود باشیم اگر پیشاپیش می دانیم که نمی توانیم آنها بیابیم؟ پس چگونه معنای سخنان ییلعام را بفهمیم؟

ابتدا باید روشن کنیم که این برکتی بسیار مبهم است. تنها بودن از دید تورات چیز خوبی نیست. نخستین باری که کلمات "خوب نیست" در تورات به کار می رود، چنین است: "برای یک انسان خوب نیست که تنها باشد." (پیدایش ۲:۱۸) دومین بار زمانی است که پدرزن موسی ییترو می بیند که موسی به تنهایی رهبری می کند، می گوید: "کاری که می کنی خوب نیست" (خروج ۱۷:۱۸). ما نمی توانیم تنها زندگی کنیم. به تنهایی نمی توانیم رهبری کنیم. انزوا یک برکت نیست، درست معکوس برکت است.

واژه *badad* در دو پیش زمینه عمیقاً منفی می آید. نخست، مورد برص: "او جدا زندگی خواهد کرد؛ خارج از اردوگاه مسکن او خواهد بود." (لاویان ۱۳:۴۶) دومین بار جمله های آغازین کتاب مرثیه های یرمیا نبی است: "چقدر شهر که زمانی لبریز از مردم بود، اینک تنها است." (مرثیه ها ۱:۱). تنها پیش زمینه ای که واژه *badad* با معنای مثبت آمده وقتی است که به خدا نسبت داده می شود (تثنیه ۳۲:۱۲) که دلایل روشن خداشناسی دارد.

دوم، ییلعام که آن حرف ها را گفت، اسرائیل را دوست نداشت. با این حال او که اجیر شده بود تا آنها را نفرین کند و خدا جلوی این کار او را گرفت، دوباره کوشید و این بار با

موفقیت توانست زنان موایی ها و میدیانی ها را به فریب دادن مردان اسرائیل وادارد که در نتیجه آن ۲۴،۰۰۰ نفر مردند (اعداد ۱۶-۲۵:۳۱). این دومین تراژدی بیلعام بود - پس از آنکه گفت: چگونه کسی را لعنت کنم که خدا او را لعنت نکرده است؟ چگونه کسی را محکوم سازم که خدا محکوم نساخته است؟" این نشانه دشمنی عمیق او با اسرائیل بود. تلمود (سنه‌درین ۱۰۵ ب) می گوید که: همه برکت هایی که بیلعام به اسرائیل داد، به لعنت تبدیل شدند، به جز یک برکت: "چقدر خیمه های تو خوبند ای یعقوب، اسرائیل که مسکن ها تو است." (اعداد ۵:۲۴). دیدگاه حکیمان تلمودی چنین است: عبارت "مردمی که تنها زندگی می کنند" سرانجام به یک لعنت تبدیل می شود و نه یک برکت.

سوم، هیچ جایی در تنخ به ما گفته نشده که سرنوشت اسرائیل یا یهودیان این است که مورد نفرت باشند. برعکس، انبیاء پیشگویی کرده اند زمانی می رسد که ملت ها برای دریافت حکمت به سراغ اسرائیل می آیند. یسعای نبی روزی را تجسم کرد که "مردمان بسیاری خواهند آمد و گفت: بیایید به بالای کوه خدا برویم، به معبد خدای یعقوب. خداوند به ما راه های خود را خواهد آموخت تا به راه های او برویم. قانون از صیون رواج خواهد یافت و کلام خدا از یروشالایم." (یشعیا ۲:۳).

زخریا پیش بینی کرد که "در آن روزها ده نفر از تمام زبان ها و ملل محکم به ردای یک یهودی خواهد آویخت و خواهند گفت: بگذار با تو بیاییم، زیرا شنیده ایم که خدا با شماست." (زخریا ۸:۲۳). اینها کافی هستند تا به این ایده شک کنیم که یهودی ستیزی، ابدی، درمان ناپذیر و درهم آمیخته با تاریخ و سرنوشت یهودیان است.

تنها در ادبیات تلمودی گفته هایی می یابیم که گویا اسرائیل مورد نفرت است. مشهورترین گفته از ربی شیمون بریوحای است:

هالاخا: همه می دانند که عساو از یعقوب متنفر بود.²

ربی شیمون بریوحای شهرت به بی اعتمادی نسبت به رومی ها دارد که ربی ها آنها را با عساو و ادوم یکی می دانستند. تلمود می گوید که به همین دلیل او برای سیزده سال فراری بود (شبات ۳۳ ب). این دیدگاه مورد قبول معاصرانش نبود. کسانی که این گفته را نقل قول می کنند، بخشی از آن را به صورت گزینشی می آورند. این گفته به لحظه ای برمی گردد که یعقوب و عساو پس از دوران طولانی قهر با یکدیگر ملاقات کردند. صبح روز بعد، یعقوب پس از رعایت احتیاط و کشتی گرفتن با فرشته عساو را دید. سپس این آیه می آید: "عساو برای دیدن او دوید و او [یعقوب] را در آغوش گرفت و بازوانش را دور گردن او حلقه کرد، او را بوسید و هر دو گریستند." (پیدایش ۳۳:۴)

بالای کلمات "بوسیدند" که در طومار تورات می آید، نقطه هایی گذاشته می شوند که معنای خاصی دارند. در همین پیش زمینه بود که ربی شیمون بریوحای گفت: "حتی با آنکه می دانیم عساو از یعقوب متنفر بود، در آن لحظه دچار همدلی شد و او را از صمیم قلب بوسید." (به تفسیر راشی نگاه کنید). به بیان دیگر، دقیقاً متن یاد شده این گفته که "یهودی ستیزی گریزناپذیر است" را قبول ندارد و برعکس آنرا نشان می دهد: عساو در آن ملاقات بحران زده نسبت به یعقوب نفرت نداشت. آنها دیدار کردند، یکدیگر را در آغوش گرفتند و بدون هیچ نیت بدی هر یک به راه خود رفتند.

به بیان خلاصه، در یهودیت هیچ چیزی نیست که بگوید سرنوشت یهودیان مورد نفرت بودن است. این نه در بافت عالم نوشته شده و نه در ژن های انسان جای دارد. این خواست الهی نیست. یهودیان تنها در لحظه های ناامیدی عمیق این گونه فکر کرده اند، به ویژه لیو

² Sifre, Behaalotecha, 89; Rashi to Gen. 33:4; see Kreti to Yoreh Deah ch. 88 for the halachic implications of this statement.

پینسکر در سال ۱۸۸۲ درشبنامۀ خود به نام *Auto-emancipation* [رها سازی خود] که از یهودهراسی سخن گفته، نوشت: "یهودی ستیزی به عنوان یک اختلال روانی، موروثی است و به عنوان یک بیماری، طی دو هزار سالی که مسری بوده، درمان ناپذیر."

یهودی ستیزی، اسرارآمیز، فهم ناپذیر یا فاقد شرح نیست. پدیده ای است پیچیده که طی تاریخ به شکل های گوناگون درآمده و ریشه های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و الهیاتی آن شناخته شده هستند. می توان با آن مبارزه کرد و آنرا شکست داد. اما اگر مردم فکر کنند که سرنوشت یعقوب است که مورد نفرت عساو باشد، یا یهودیان مردمی هستند مطرود، محکوم به زندگی در تنهایی، و همچون جذامیان در میان ملت ها و اخراج شده از صحنۀ بین المللی، آن گاه این مبارزه انجام نمی شود. پس جمله "مردمی که تنها سکونت دارند" چیست؟ یعنی مردمی که آمادگی دارند در صورت لزوم به تنهایی بایستند، با قوانین اخلاقی خود زندگی کنند و شهادت داشته باشند که متفاوت باشند و راه های کمتر پیموده را بیمایند.

ربی سامسون رفايل هيرش حکمتی عالی درمورد تفاوت میان "قوم" (*am*) و "ملت" (*goy*) ارایه می دهد - در مورد آنچه امروز اجتماع و کشور می نامیم.³ قوم اسرائیل با فرهنگ به یکدیگر پیوند داشتند و صورتی منحصر به فرد قبل از آنکه یک کشور بشوند، یک اجتماع شدند. قبل از داشتن سرزمین، قوانین داشتند. قومی بودند که اعضایش پیش از آنکه یک ملت بشوند، با یک قانون و فرهنگ با هم پیوند داشتند. یعنی یک واحد سیاسی بودند. همان گونه که در کتاب *Future Tense* اشاره کرده ام، واژه *peoplehood* یا "مردم بودن" در سال ۱۹۹۲ خلق شد و در اولین موارد استفاده خود به یهودیان استناد کرد

³ Samson Raphael Hirsch, *Commentary to Numbers* 23:9.

4. بنا به تفسیر هیرش از بخش ییلعام، آنچه یهودیان تا متفاوت می سازد، این است که گروهی هستند با خاطرات و مسئولیت های مشترک، و نه "مورد نفرت در میان ملت ها"، زیرا آنها قادرند حتی بدون مردم بودن و در تبعید و پراکندگی به بقای هویت خود ادامه بدهند.

قدرت اسرائیل در ملت گرایی آنها نیست، بلکه در ساختن جامعه است بر پایه عدالت و کرامت انسان.

نبرد علیه یهودی ستیزی می تواند برنده شود، اما نه در صورتی که یهودیان باور داشته باشند که سرنوشت آنها تنها ماندن است. این لعنت ییلعام است و نه خدا.

شبات شالوم

ترجمه فارسی با مشارکت بنیاد ایرانی هارامبام، وابسته به فدراسیون یهودیان ایرانی-آمریکایی توسط شیریندخت دقیقیان

Persian Translation by Shirin D. Daghighian



www.RabbiSacks.org f t @ y @RabbiSacks

The Rabbi Sacks Legacy Trust, PO Box 72007, London, NW6 6RW • +44 (0)20 7286 6391 • info@rabbisacks.org

© Rabbi Sacks • All rights reserved

⁴ Rabbi Sacks, *Future Tense*, p. 25.